

بن‌مایه‌های ادب‌پایداری در سروده‌های سلمان هراتی و عبدالوهاب البیاتی

معصومه صادقی (نویسنده مسئول)^۱

استادیارگروه زبان و ادبیات فارسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

طاهره چالدره

استادیار گروه زبان و ادبیات عرب، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۶/۶/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۲)

چکیده

ادبیات‌پایداری یکی از گونه‌های مهم ادبی است که سابقه‌ای به قدمت تمدن بشری دارد و در هر زمانی متناسب با شرایط و موقعیت آن جلوه‌گر شده است. در این میان شعر‌پایداری به یکی از انواع زیبای شعر حماسی در ادبیات معاصر تبدیل شده و شاعران با قلم برنژده خود به بازتاب‌پایداری و مقاومت و ترغیب مردم سرزمین‌شان پرداخته و هدفشان زنده نگه‌داشتن روحیه مقاومت و ایثار و ظلم‌ستیزی در مخاطب بوده است. سلمان هراتی از شاعران برجسته ایران و عبدالوهاب البیاتی از پیشگامان شعر معاصر عرب هستند که ندای مبارزه و آزادی‌خواهی در سروده‌های‌شان طنین‌انداز شده است. این جستار براساس مکتب آمریکایی در ادبیات تطبیقی و نیز با شیوه توصیفی-تحلیلی به تطبیق مضامین و شاخص‌های شعر‌پایداری در سروده‌های سلمان هراتی و عبدالوهاب البیاتی پرداخته است. ازجمله نتایج برآمده از تحقیق می‌توان به شاخص‌های مشترک شعری دو شاعر یادشده ذیل ادبیات مقاومت اشاره کرد؛ اموری همچون وطن‌ستایی، دفاع و مبارزه، مدح رزمندگان، بیان عظمت مادران رزمندگان و شهیدان، شهید و شهادت و کاربست مضامین عاشورایی. هر دو شاعر علاوه بر کاربست تکنیک‌های گوناگون ادبی-بلاغی و نیز القای تصاویر دیداری با تم ادب‌پایداری به مخاطب، گزاره‌های دینی را با حس حماسی وطن‌پرستی درهم آمیخته و مقاومت را با ایدئولوژی همراه ساخته‌اند.

واژگان کلیدی: مقاومت، ادبیات‌پایداری، سلمان هراتی، عبدالوهاب البیاتی.

^۱. sadeghi2002@yahoo.com

۱. مقدمه

ادبیات‌پایداری نوعی از ادبیات‌متعهد و ملتزم است که از طرف مردم و پیشروان فکری جامعه در برابر آنچه حیات معنوی و مادی آن‌ها را تهدید می‌کند به وجود می‌آید. این‌گونه ادبی با زبانی صریح بیان می‌شود و با توجه به شرایط و مقتضیات هر دوره تاریخی نحوه بروز و ظهورش با دوره‌های دیگر متفاوت است. وجه تفاوت ادبیات‌پایداری از سایر مقوله‌های ادبی در پیام و مضمون آن نهفته است. در تعریف این نوع ادبی آمده است: «ادب‌پایداری به مجموعه آثاری گفته می‌شود که درون‌مایه آن با تکیه بر ویژگی ملیت یا دین، انسان‌ها را به دفاع و مبارزه در برابر هر نوع استبداد، تحقیر، بندگی و بردگی ترغیب و تشویق کند یا صحنه‌های نبرد و تبعات آن را توصیف نماید.» (مکارمی‌نیا، ۱۳۸۳: ۱۲)

درواقع ادبیات‌پایداری در ایجاد بیداری و آگاهی مردم و پاسداشت حریم ارزش‌ها، نقش مهمی ایفا می‌کند. درباب تاریخچه آن باید گفت: «ادبیات‌پایداری سابقه‌ای به قدمت تمدن بشری دارد و در هر دوره‌ای، متناسب با شرایط و موقعیت آن رخ می‌نماید و در شرایطی چون اختناق، استبداد داخلی، نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی، قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی جلوه‌گری می‌کند. جان‌مایه این آثار با بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و ایستادگی در برابر جریان‌های ضد آزادی است. ادبیات‌پایداری دربردارنده آثاری ادبی است که از نظر مفهوم و هدف، مخاطب را به پایداری در برابر دشمن فرا می‌خواند و در ذات آن، حقیقت‌خواهی و امید به آینده، همواره فراروی خالق اثر و بطن متن ادبی وجود دارد.» (رحمان دوست، ۱۳۷۹: ۱۶۶)

آنچه موجب تبلور ادبیات‌پایداری در ایران اسلامی شد جنگ تحمیلی است که «مضامین گوناگونی از جمله مفاهیم مربوط به مقاومت را در اختیار شاعران قرار داده است. شاعران و نویسندگان در این حوزه نخستین مسؤولیت‌شان این بوده است که آثار ادبی خود را با

موضوعاتی چون میهن‌پرستی، آزادی‌خواهی، حق‌طلبی و دینداری ارائه نموده‌اند. در حوزهٔ مسؤولیت دوم، آثار ادبی آن‌ها مشمول موضوعاتی چون دعوت به مقاومت، توصیف حماسه‌ها، ستایش رزمندگان، تهدید به انتقام از دشمن و رجزخوانی است. در حوزهٔ مسؤولیت سوم، آثار ادبی شاعران مقاومت آراسته است به موضوعاتی چون سوگ‌نامه شهیدان، توصیف ویرانی و کشتار و سب‌یت دشمن» (کاکایی، ۱۳۸۰: ۵۱-۵۲)

شعر مقاومت در کشورهای عربی با آغاز انقلاب فلسطین ظهور کرد و با گذشت زمان، با حفظ ارتباط تنگاتنگ خود با انقلاب به بیان دردها و پیروزی‌های آن در راه آزادکردن سرزمین‌های اشغال شده و بازپس‌گیری حقوق به زور گرفته شده مردم پرداخت. گستردگی شعر مقاومت تا بدان جاست که بخش ویژه‌ای از شعر جدید عربی را به خود اختصاص داده است. «آوارگی، عذاب، شکنجه، هراس و دلهره‌ای که مردم را تهدید کرده، اسطوره‌هایی را برای تاریخ قتل عام بی‌گناهان ساخته است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۲۵۰)

«سلمان هراتی» و «عبدالوهاب البیاتی» دو شاعر نامدار معاصر ایران و عراق می‌باشند که مضامین پایداری در سروده‌های آنان بازتاب بسیاری دارد.

سلمان هراتی (۱۳۳۸-۱۳۶۵) از شاعران ادبیات پایداری ایران است که بارها در جبهه‌های دفاع مقدس حضوری آگاهانه داشته است. از ویژگی‌های بارز وی صمیمیت، اخلاق و صداقتی است که در آثارش به چشم می‌خورد و همین ویژگی‌ها موجب اثرگذاری سروده‌های او بر مخاطبان‌ش شده است. او به عنوان شاعری متعهد در عرصهٔ ادبیات پایداری معرفی می‌شود که این تعهد موجب پیوند مسائل اجتماعی با دنیای انتزاعی ذهن اوست. «زبان سلمان زبانی ساده و بی‌پیرایه است که از هر ابهامی به دور است.» (ترابی، ۱۳۸۴: ۱۴۲) وی از مفاهیم اسلامی و واژگان کلیدی دفاع مقدس برای به تصویر کشیدن عظمت نبرد و حماسه پیکارگران راه حق سود برده که همین امر فضایی روحانی به شعرش می‌بخشد. مجموعه اشعار وی با نام «آسمان

سبز»، «دری به خانه خورشید»، «از این ستاره تا آن ستاره» و «گزیده ادبیات معاصر» در زمان حیاتش منتشر شد.

عبدالوهاب البیاتی (۱۹۲۶-۱۹۹۹) شاعر، معلم و روزنامه‌نگار معاصر عرب است که رنج تبعید و دوری از وطن را چشیده و بازتاب آن در سروده‌هایش آشکار است. در شعر وی می‌توان وسعت قلمرو و توانایی عجیب او را در تداعی مسائل گوناگون اجتماعی، تاریخی و اساطیری دریافت. «او از جمله شاعران عراقی است که بیرون از مرزهای کشور خود مشهور گشته و اشعارش او را به عنوان شاعری دغدغه مند، متعهد و مبارز مطرح کرده است. بیاتی شاعری است که قبل از هر چیز، انسان و دغدغه‌های انسانی برایش اهمیت دارد.» (رجبی، ۱۳۹۰: ۵۲) او معتقد است «شعر اسلحه است و ابزار زندگی؛ باید با شعر ویران کرد و ساخت. این ویران‌کردن و ساختن مرز نمی‌شناسد و هیچگاه به نقطه پایان نمی‌رسد.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۱۸۶) بیاتی در راستای فضای ادب پایداری شعرهایش را با تصاویر تلخی از جهان همراه می‌سازد، جهانی که در انحصار سلطه‌جویان و تبهکاران است. مجموعه اشعار وی در کتاب «الأعمال الشعرية الكاملة» به چاپ رسیده است. از دیگر آثار وی می‌توان به نمایشنامه «محاکمة فی نیسابور» اشاره کرد.

این پژوهش با هدف بررسی مهم‌ترین مؤلفه‌های ادبیات پایداری در سروده‌های سلمان هراتی و عبدالوهاب البیاتی و تبیین مصادیق مشترک و گاه متفاوت‌شان به شیوه توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است.

۱.۱. سؤالهای تحقیق

در این پژوهش تلاش می‌شود به پرسش‌های ذیل پاسخ داده شود:

- ۱- کدام یک از مضامین مقاومت و پایداری در سروده‌های سلمان هراتی و عبدالوهاب البیاتی جلوه‌گر شده است؟
- ۲- نوع نگرش این دو شاعر به مبارزه و دفاع چگونه است؟

۳- تکنیک‌های شعری و نمادهایی که در اشعار این دو شاعر معاصر در زمینه پایداری به کار گرفته شده چیست؟

۲،۱. فرضیه‌های تحقیق

۱- وطن، دفاع و مبارزه، مدح رزمندگان، شهید و شهادت و توصیف عاشورا از برجسته‌ترین مضامین به کار رفته در سروده‌های سلمان هراتی و عبدالوهاب البیاتی است.

۲- هر دو شاعر، مقاومت و پایداری را با حس حماسی در هم آمیخته و با ایدئولوژی دینی همراه ساخته‌اند.

۳- این دو شاعر معاصر در بیان اندیشه‌های خود از تکنیک‌های ادبی - بلاغی بهره برده‌اند.

۳،۱. پیشینه تحقیق

پیرامون پیشینه موضوع مقاله حاضر باید خاطر نشان کرد درباره تطبیق مؤلفه‌های پایداری در سروده‌های این دو شاعر، تاکنون تحقیقی صورت نگرفته است، اما پژوهش‌هایی در آثار این دو شاعر و مبانی ادبیات پایداری انجام پذیرفته که به ترتیب ذکر می‌شود:

- مقاله «بررسی تطبیقی اشعار عبدالوهاب البیاتی و ناظم حکمت» (۱۳۸۴) از خلیل پروینی و صدیقه حسینی، فصلنامه الجمعیه الایرانیة العربیة و آدابها، ش ۴، صص ۶۹-۸۹.

- مقاله «عبدالوهاب البیاتی، اسطوره‌ای زنده» (۱۳۸۳) به قلم معصومه شبستری، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، صص ۷۷-۹۶.

- مقاله «دغدغه‌های اجتماعی شعر عبدالوهاب بیاتی و مهدی اخوان ثالث» (۱۳۹۰) از فرهاد رجبی، مجله زبان و ادبیات عربی، دانشگاه فردوسی مشهد، ش ۴، سال سوم، صص ۴۷-۷۵.

- مقاله «خوانش تطبیقی جلوه‌های پایداری در شعر معاصر ایران و فلسطین» (۱۳۹۰) به قلم احمد رضا حیدریان شهری و ندا تصدیقی، فصلنامه نقد و ادبیات تطبیقی، دوره ۱، ش ۳، صص ۱۰۵-۱۲۵.

- مقاله «جلوه‌های ادب پایداری در شعر سلمان هراتی» (۱۳۸۹) از رضا کریمی لاری، مجله رشد و آموزش زبان و ادب فارسی، ش ۹۶، صص ۲۸-۳۷.

۲. تطبیق شاخص‌های پایداری در سروده‌های هراتی و البیاتی

۱.۲. وطن‌ستایی

وطن و ستایش میهن از شاخص‌های مهم در ادبیات پایداری است؛ در واقع اصلی‌ترین موضوع در هر جنگی نزاع بر سر سرزمین است، کشوری می‌جنگد تا زمینی را تصاحب کند و در مقابل کشوری مقاومت می‌کند تا خاک و وطن خود را در برابر اشغال بیگانه حفظ کند. مسأله دفاع از خاک و زمین و دفاع از میهن جزء مضامین مشترک همه شاعران مقاومت است. به طور کلی دفاع از وطن، دفاع از جان و مال و ناموس هر سرزمین نیز به شمار می‌آید. «در شعر دفاع و پایداری ایران، موضوع وطن‌دوستی سابقه‌ای بسیار درخشان دارد. تطابق اندیشه‌های دینی و ملی با طرح روایت حُبِّ الوَطَنِ مِنَ الْاَیْمَانِ از قول شارع مقدس دین اسلام، سبب شد تا ایرانیان در چشم‌انداز عشق به میهن، آرمان‌های دینی را مدنظر قرار دهند.» (کاکایی، ۱۳۸۰: ۶۵) موضوع وطن در شعر شاعران مقاومت نموده‌های متفاوتی دارد. گاهی وطن به صورت عشق و محبت و دوستی به سرزمین مادری در اشعار شاعران بیان شده و گاه وطن اشغال شده و خاکی که در چنگال اشغالگران است، موضوع اصلی اشعار قرار گرفته است. سلمان هراتی در شعر «در کوچه‌های گریه و هیج» از مجموعه «از آسمان سبز» به بیان مظلومیت وطن خویش می‌پردازد و عشق و علاقه به وطن خود را بیان می‌کند. بی‌گمان جنگ ایران و عراق مبارزه یک کشور در برابر هزاران کشور بود. ایران در یک طرف صحنه به تنهایی در برابر عراق که با کمک بسیاری از کشورهای ابرقدرت جهان مقابل ایران صف‌آرایی کرده بود به مقابله پرداخت. شاعر نیز با استفاده از این مسأله، واژه «ازدحام» را که با «جمعیت» تناسب دارد برای «درد» به کار می‌برد و با ایجاد پارادوکسی زیبا از «بی‌دردی درد» سخن می‌گوید و این بدان سبب است که زمانی که درد و رنج در انسان به بی‌نهایت می‌رسد، بی‌حسی و عدم احساس درد حاصل می‌شود:

«ای وطن من! ای عشق! ای ازدحام درد! جان من از بی‌دردی / درد می‌کند» (هراتی، ۱۳۸۸: ۵۰)

هراتی در جایی دیگر از همان مجموعه در شعر «دوزخ و درخت گردو»، با کاربرد ترکیب «ایستاده در چمن آفتابی معلوم» ایستادگی و مقاومت مردم و وطنش را همچون آفتاب روشن و آشکار می‌داند که در برابر ظلم و ستم سر فرو نیاورده و با وجود مظلومیت از کیان خویش دفاع کرده‌اند. شاعر علاوه بر بیان مظلومیت وطن، مرگ در راه دفاع از میهن را همچون زندگی می‌داند.

«ای ایستاده در چمن آفتابی معلوم / وطن من! / ای توان‌ترین مظلوم! / تو را دوست می‌دارم / ای آفتاب شمایل دریا دل! / و مرگ در کنار تو زندگیست» (همان: ۹)

عبدالوهاب البیاتی نیز همچون دیگر شاعران عرب که از وطن خویش تبعید شده و به «شاعران منفی» معروف‌اند، با سوز و گداز خاصی از وطن یاد می‌کند و آن را می‌ستاید. وی در سروده «الدرع» به معنای سپر که نام آن نیز یادآور حماسه و جنگ است و وطنش را سپری پولادین و نیز کعبه عشق معرفی می‌کند. وی در ادامه تمامی ستم‌پیشگان و جنگ‌جویان تاریخ را مقهور قدرت و وطنش می‌نامد و در پایان تمامی هم‌وطنان گذشته و آینده خود را جان‌نثار وطن می‌داند:

«وطني درع فولادي / يحمي غرة بغداد / كعبه حب يحرسها الله / كل غزاة التاريخ
إنهزموا / في بوابتها / صاروا في ذاكرة التاريخ رماد / يتبارى في قوس الشمس، دفاعاً عنها
الأسلاف الأحقاد» (بیاتی، ۲۰۰۸: ۵۴۰)

میهنم سپری پولادین است / که طلوع سپید بغداد را حمایت می‌کند / میهنم کعبه عشق است
که خداوند آن را نگهبان است / تمامی متجاوزان تاریخ شکست خوردند / در دروازه آن / آنها در
حافظه تاریخ چون خاکستر شدند / و در کمان خورشید برای دفاع از آن مبارزه می‌کنند / نیاکان
و نوادگان.

از مهمترین مضامین ادب‌پایداری، موضوع دفاع و مبارزه است. همان‌گونه که از نام ادب‌پایداری یا مقاومت برمی‌آید، حمله و کشتن دیگر هم‌نوعان و انسان‌های بی‌گناه با هرنژاد و دینی هرگز محل بحث این‌گونه ادبی نبوده و نخواهد بود بلکه دفاع و مقاومت در برابر حمله‌های غیر انسانی قدرتمندان هر برهه‌ی زمانی و حفظ و حراست از میهن شاعر مورد نظر است.

در تعریف دفاع آمده است: «به تدابیری که برای مقاومت در برابر حملات سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، روانی و یا فناوری توسط یک یا چند کشور مؤتلفه اتخاذ می‌شود دفاع می‌گویند. همچنین به حفظ و حمایت از ارزش‌هایی نظیر زندگی، مالکیت، آزادی، هویت ملی و تمامیت ارضی در برابر تهدیدات گوناگون داخلی و خارجی یا ساختاری، دفاعی اطلاق می‌گردد.» (نوروزی، ۱۳۸۵: ۳۴۴) حال این دفاع و مبارزه در شعر‌پایداری با تصاویر دیداری و شنیداری مقاومت هم‌میهنان شاعر همراه است تصاویری چون؛ جنگیدن در راه وطن و دفاع از جان، مال، همسر و فرزندان، و دیگر صحنه‌های مربوط بدان؛ به این صورت که در زمان جنگ در هر کشوری شاعر یا نویسنده همچون یک گزارشگر، صحنه‌ها و وقایع پیرامون را به تصویر می‌کشد.

سلمان هراتی که به صورت مستقیم با حضور در جنگ تحمیلی، نماد یک شاعر مبارز است، در سروده‌های گوناگونی سعی در به راه انداختن یک هژمونی^۱ ملی جهت مقاومت بیشتر و در نهایت حفظ میهن گام برمی‌دارد. وی در سروده «امتحان نهایی» از مجموعه «از این ستاره تا آن ستاره» با تشبیه جبهه به مدرسه و کلاس درس، مخاطب را ترغیب می‌کند که سلاح مبارزه در دست گیرد و از مملکت خویش دفاع کند. وی با آوردن فعل مرکب «شتاب کن» زمان‌شناسی، بصیرت و بینش را یادآوری می‌کند.

^۱. Hegemony.

«و جبهه مدرسه است/ کلاس ما آن جاست/ شتاب کن برویم/ که دیر خواهد شد/ تفنگ را بردار/ امام می آید/ و امتحان نهایی شروع خواهد شد.» (هراتی، ۱۳۸۰: ۳۵۳)

شاعر در شعر زیر نیز جبهه را به کلاس درس تشبیه می کند که در آن فرمانده نقش معلم را برعهده دارد؛ در این کلاس فشنگ ها همچون گچی جمله «پیروز می شویم» را به نگارش درمی آورند. او سیاهی قلب دشمن را به تخته سیاه کلاس مانند کرده است. واژگانی همچون «حماسه»، «تفنگ»، «فرمانده»، «سنگر» و «فشنگ» با ایجاد مراعات نظیر در شعر، صحنه مبارزه و دفاع را برای خواننده تداعی می کند. هراتی نه تنها با شعر و سرایش خویش به تحریک مردمی برای حفظ میهن می پردازد بلکه در سطر آخر شعر، یک نظریه ملی دینی را نیز مطرح می کند و معتقد است مبارزه باید با هدف ایرانی اسلامی در جریان باشد:

«با من بیا نترس! / من یک جنوبی ام / در فکر خوبی ام / با من به جز حماسه نگو / از من به جز تفنگ نخواه / زیرا معلم فرمانده من است / سنگر، کلاس ماست / ما با گچ فشنگ همواره بی درنگ نوشتیم: / «پیروز می شویم» / تخته سیاه ما / قلب سیاه دشمن اسلام است.» (همان: ۳۶۴ - ۳۶۵)

بیاتی شاعر معاصر ادب عربی، در قصیده «أغنیة خضراء إلی سوریا» (سروده ای سبز تقدیم به سوریه) با مخاطب قرار دادن سرزمینش از هویت، تفکر، ایدئولوژی و مبارزه سخن می گوید. او وطنش را مهد پهلوانانی می داند که تاریخی طولانی در ظلم ستیزی و نبرد و مبارزه دارند و با تکرار دوگانه و عکس «آتش در قلبم» و «اسلحه در دستم» بر غم و اندوهی که در فراق مجاهدین بر قلبش نقش بسته و اسلحه ای که نماد دفاع و مبارزه است تأکید می ورزد. کاربرد واژه «جراح» که جمع «جرح به معنای زخم» و با «ال» جنس همراه گشته است تداعی گر انواع سختی ها و مشکلات فراوانی است که بر جسم و جان هم میهنان شاعر نشسته اما با وجود تمامی این سختی ها، عشق به میهن و مبارزه در راه آن در وجودشان خاموش نمی شود. درحقیقت دیدگاه بیاتی در مورد مبارز در راه وطن چنین است که مبارزه برای حفظ و حراست از وطن از رهگذر دو عامل نشأت می گیرد: ایدئولوژی و اندیشه (یا وَطَنَ الْعَقِیدَةِ) و

دیگری عشق ورزیدن به آن (فَحْبِّي لَنْ يَمُوتَ). عامل دوم چنان برای شاعر مهم جلوه کرده است که روساخت شعری مربوط بدان را با «لن» که ابزاری برای نفی ابد است همراه ساخته است:

«عَيْنَايَ فِي عَيْنَيْكَ، يَا وَطَنَ الْعَقِيدَةِ وَ الْكِفَاحِ / وَ النَّارُ فِي قَلْبِي، وَ فِي يَدِي السَّلَاحُ / أَحْمِي حُدُودَكَ مِنْ صِغَارِ النَّحْلِ / يَا وَطَنَ الْأَقَاحِ / وَ أَنَا أُعْتَبِي، وَ الْجِرَاحُ / صَبَغَتْ سَمَاءَ مَدِينَتِي / وَ فِي يَدِي السَّلَاحُ / وَ النَّارُ فِي قَلْبِي، فَهَبِّي يَا رِيحُ / وَ لِيَمَعِنِ الْجَلَادُ فِي قَتْلِي، فَحْبِّي لَنْ يَمُوتَ / لِلْكَادِحِ الْعَرَبِيِّ فِي عَيْنَيْكَ / تَارِيحٌ طَوِيلٌ لِلنُّضَالِ / أَقْوَى مِنَ الْأَوْغَادِ، يَا وَطَنَ الرَّجَالِ» (البیاتی، ۲۰۰۸: ۱ / ۲۴۲-۲۴۳)

ترجمه: چشمان من در چشم‌های تو است / ای سرزمین عقیده و مبارزه / و آتش در قلبم و اسلحه در دستم / از مرزهای تو در برابر زنبورکان خرد نگهبانی و حراست می‌کنم / ای سرزمین بابونه‌ها / و من آواز می‌خوانم حال آنکه زخم‌ها / آسمان شهرم را رنگ کرده است / و در دستانم اسلحه است / و آتش در قلبم، ای باده‌ها بوزید / تا جلاد به کشتنم اهتمام ورزد، اما عشقم (به تو ای وطن) هرگز نخواهد مرد. / در چشمان تو مجاهد عرب / تاریخی طولانی در مبارزه دارد / تاریخی سترگ تر از فرومایگان و سست‌عنصران، ای سرزمین مردان.

البیاتی در شعر «مَوْعِدٌ فِي الْمَعْرَةِ» (قرار در معرّه) پس از مخاطب قراردادن (یکی از صفت‌های) أبو‌العلا المعری^۱ شاعری که به عزلت و گوشه نشینی از اجتماع و امور معمول زندگی معروف است، از آینده‌ای روشن سخن می‌گوید، آینده روشنی که با مبارزه و دفاع هزاران انسان فقیر شکل می‌گیرد؛ کسانی که در تاریکی ظلم و استبداد و ستم به امید طلوع خورشید آزادی تلاش می‌کنند. در حقیقت او روح امید به آینده را در مردم زنده می‌کند تا آنان تسلیم ظلم و ستم بیدادگران نشوند:

«يَا رَهِيْنَ الْمَحْبِسِيْنَ / فَمَ تَرَ الْأَرْضَ تُعْتَبِي، وَ السَّمَاءُ / وَرْدَةٌ حَمْرَاءُ وَ الرَّبِيعُ غَنَاءُ / فَمَ تَرَ الْأَفْقَ مَسَاعِلُ / وَ مَلَائِيْنَ الْمَسَاكِيْنَ يُقَاتِلُ / فِي الدُّجَى مِنْ أَجْلِ أَنْ تَطْلُعَ شَمْسٌ» (همان: ۲۶۸)

۱. أبو‌العلا المعری از جمله شاعران عصر عباسی در سال ۳۶۳ هـ / ۹۷۳م در شهر معره عراق چشم به دنیا گشود. وی شاعری بدبین نسبت به زندگانی بود و با فلسفه خاص خود اهل زهد و رزق بود. (فاخوری، ۱۴۲۷، ج ۱: ۸۴۳)

«ای گروگان دو زندان(ای أبو‌العلا المعری)/ برخیز و بین زمین را که آواز می‌خواند و آسمان/ چون گل سرخ و باد چونان نغمه شده است/ برخیز افق را بین که مانند مشعل‌ها(یی می‌درخشد) / و میلیون‌ها مسکین را که می‌جنگند/ در تاریکی تا خورشید طلوع کند.»

۳،۲. مدح رزمندگان

یکی از موضوعات عمده شعر مقاومت، ستایش رزمندگان میدان‌های جنگ است. شاعران مقاومت با بیان خصوصیات و ویژگی‌های آن‌ها علاوه بر یادآوری بزرگی و ارزشمندی مقام آنان در بین مردم، به ایجاد انگیزه و دفاع از میهن در جوانان می‌پردازند.

سلمان هراتی در شعر «در خلوت بعد از یک تشییع» با اندک سطرهای شعری‌اش رزمنده را فردی عزتمند، با نشاط، مقاوم و در نهایت اهل آسمان معرفی می‌کند. لازم به ذکر است؛ در اینجا رسایی معنا در کالبد واژگان اندک و برگزیدن صفات فراوان یادشده برای پایداران عرصه دفاع از میهن توسط شاعر، امری شگرف و درخور توجه است. در سروده مذکور علاوه بر مدح و ثنای مستقیم، هراتی به مدح غیر مستقیم رزمندگان جبهه‌های پایداری نیز اشاره می‌کند و آنها را معلمان عرفان و آسمانی شدن می‌داند:

«مردان جبهه چه حال و هوایی دارند/ چه سربلند و باشاط می‌ایستند/ برویم و سربلندی

بیاموزیم/ آی با شمایم!/ چه کسی دوست دارد صاحب آسمان باشد؟» (هراتی، ۱۳۸۸: ۶۵)

سلمان هراتی در شعر «با آفتاب صمیمی» از مجموعه «از آسمان سبز» کنش اجتماعی و چند بعدی بودن رزمنده را مورد بررسی قرار می‌دهد و از نوشته‌هایش چنین برمی‌آید که رزمنده و مدافع میهن علاوه بر حضور در تمامی صحنه‌های اجتماعی و ایفای نقش، با دیگر هم‌میهنانش انس و الفت می‌گیرد. شاعر ایرانی در یک صحنه کلی و یا به نوعی یک تصویر دیداری کلی، چندین تصویر را در ذهن خواننده شعرش فراهم می‌آورد تا با کاربست چنین فضای نمایشی، و حتی تصاویر استعاری و کنایی (بخشش لبخند)، رزمنده را فردی چند بعدی و همراه ملت معرفی کند.

«او در جبهه است/ با بچه‌ها فشنگ خالی می‌کند/ و صلوات می‌فرستد/ او همه جا هست/ در اتوبوس کنار مردم می‌نشیند/ با مردم درد و دل می‌کند/ و هرکس که وارد اتوبوس می‌شود/ از جایش برمی‌خیزد/ و به او تعارف می‌کند/ و لبخند فروتنش را به همه می‌بخشد» (همان: ۸۰)

بیاتی نیز در شعر «الرَّسَالَة» رزمندگان را انسان‌های از خود گذشته‌ای می‌داند که با رشادت سرزمین خود را می‌سازند. او از فردایی سخن می‌گوید که نتیجه تلاش و مبارزه امروز است. وی با آوردن ضمیر یاء سعی در بیان ارتباط قلبی خویش با رزمندگان دارد. در اینجا «حُب» استعاره از وطن است:

«يَا إِخْوَتِي الْمُتَحَرِّقِينَ إِلَى غَدٍ، تَحْتَ النُّجُومِ/ يَا صَانِعِي الْحَبِّ الْعَظِيمِ» (البیاتی، ۱۹۷۲: ۱/۲۸۷)

«آه، ای برادرانی که برای فردا (ی وطن) -در زیر ستارگان- از جان خود گذشته- اید، ای سازندگان عشق بزرگ!» (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۴: ۴۴)

او در شعر زیر نیز با توصیف محیط اطرافش که در آن کینه و انتقام از اسرائیل همچون شب بر مردم بی‌گناه سایه افکنده و سکوت و غم و اندوه همه‌جا را فرا گرفته است از آفتاب روشن پیروزی سخن می‌گوید و رزمندگانی از جان گذشته را به تصویر می‌کشد که در راه پیروزی گام برداشته‌اند:

«وَأَلِيلُ إِسْرَائِيلَ وَ هُوَ يَقِيءُ حَقْدًا وَ إِنْتِقَامًا/ وَ عَاهِرِينَ وَ مُخْبِرِينَ/ أَنَا لَا أزالُ، هُنَا أُعْتَبِي الشَّمْسَ، فِي صَمْتٍ وَ إِصْرَارٍ حَزِينٍ/ يَا إِخْوَتِي الْمُتَحَرِّقِينَ/ إِلَى النَّضَالِ» (البیاتی، ۱۹۷۲: ۱/۲۸۸)

«و شب اسرائیل که بر سر کینه و انتقام است/ و تباہکاران و مخبران/ من همچنان در اینجا سرود آفتاب سرکرده‌ام، در سکوت و اصراری اندوهگین/ برادران خودسوخته من/ در راه پیروزی.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۴: ۴۴)

۴.۲. بیان عظمت مادران رزمندگان و شهیدان

اگر شعر و ادبیات را گزاره‌ای موثر در زندگی اجتماعی بدانیم، تبیین جایگاه مادران و نقش به سزای تربیتی آنان در رشد و بالندگی فکری رزمندگان راه مقاومت، امری ضروری است که شاعر پایداری باید بدان پردازد؛ چراکه وی با این پردازش شعری ادبی‌اش به مهد و خواستگاه

مقاومت یعنی خانواده و رکن اساسی پرورش افرادی که از جان خویش در راه حفظ و حراست از وطن می‌گذرند، یعنی مادر توجه ویژه‌ای داشته است. شاعر مقاومت درلابلای سخن از مقاومت، این نکته را بر خود واجب می‌داند که با قلم و نوشته‌هایش در دفتر شعر خود به تقدیر مادران رزمندگان و شهیدان وطن بپردازد.

درمیان فضاسازی‌های شعری شاعران مقاومت، دلتنگی‌های مادرانه و نجوا با فرزند از صحنه‌های بسیار زیبا و پراحساس است. سلمان هراتی در شعر «سرباز خود» به خوبی چشم‌انتظاری و دلتنگی مادر یک رزمنده را هنگامی که فرزندش در میدان‌های نبرد در برابر دشمن مبارزه می‌کند به تصویر می‌کشد. لازم به ذکر است، زبان ساده و بی‌تکلف مادری با تم سروده که دلتنگی مادر زرمنده است، کاملاً تطابق دارد:

«من دلتنگم / فکر می‌کنم تو هم پرنده شده‌ای / اگر نه / چرا مادر امروز / این همه به آسمان شباهت دارد / و شب‌ها خواب گل سرخ می‌بیند / شاید تو آن شقایقی باشی / که در دفتر فردای مادر می‌درخشی.» (هراتی، ۱۳۶۷: ۲۵)

شاعر در شعر «این صنوبران» مادران شهدا و رزمندگان را دل‌داری می‌دهد که در سوگ عزیزان خود بی‌تاب و بی‌قرار نباشند؛ چرا که بر این باور است رزمندگان از چتر حمایتی پروردگار برخوردارند و اگر حادثه‌ای برای آنان رخ دهد و خونی ریخته شود در راه دفاع از حق است؛ او با تشبیه شهدا به درخت، باران، نیلوفر و آسمان آبی به استواری، پاکی و وسعت اندیشه آنان اشاره کرده و معتقد است آنان با دانایی و آگاهی به مبارزه با دشمن پرداخته و از جان خود گذشته‌اند:

«ای مادران شهید / سوگوار که‌اید؟ / دلتنگی‌تان مباد / آنان درختان‌اند / باران‌اند / آنان نیلوفرانی‌اند / که از حمایت دستان خدا برخوردارند / آبی‌اند، آسمانی‌اند / نه تو و نه من نمی‌دانیم / فراتر از دانایی‌اند، روشنایی‌اند.» (همان: ۸۹-۹۰)

و نیز در شعر «پاسخ یک نامه» به این نکته اشاره می‌کند که اگرچه تعدادی از رزمندگان فرزندان کویر هستند و مادرانشان در دل کویر آنها را به دنیا آورده‌اند، اما همچون دریا، دلی

بیکران و با عظمت دارند. آنان کودکانی به دنیا آورده‌اند که همچون طوفان به دشمنان حمله می‌برند و نویدبخش صبح پیروزی هستند:

«اینجا مادران از کویر می‌آیند/ اما دریا می‌زایند/ کودکان طوفان می‌آفرینند/ دختران بهار می‌یافتند/ و پسران برای توسعه صبح/ خورشید می‌افشانند.» (هراتی، ۱۳۶۷: ۵۱)

بیاتی نیز در شعر «المجد لِّلاطفال والذیتون» (شکوه از آن کودکان و زیتون است!) به عظمت زنان و مادران سخت‌کوش میهنش و بیمارانی که پیامد جنگ هستند اشاره می‌کند و عظمت‌شان را به تصویر می‌کشد شاعر با کاربست «ال» جنس در «المجد للمرضی» انواع بزرگی و کرامت را از آن مادران رزمندگان می‌داند، مادرانی که از آه و ناله‌های فراوان در غم دوری فرزندان رزمنده خود بیمار شده‌اند. شاید جمله «المجد للمرضی» نوعی پارادوکس نیز داشته باشد؛ چراکه حالت‌های ظاهری یک مریض و درد و رنج‌هایش نمی‌تواند او را شکوهمند و با صلابت نشان دهد اما در اینجا بیاتی با چنین پارادوکسی سعی نموده مادران شهدای وطن را که از غم دوری فرزندان‌شان بیمار گشته‌اند، با صلابت و اقتدار نشان دهد:

«المَجْدُ لِلْمَرْضَى عَلَى سُرْرِ الْبِكَاءِ/ وَ لِلنِّسَاءِ الْكَادِحَاتِ/ الْأَمْهَاتِ» (البیاتی، ۱۹۷۲: ۲/ ۲۹۰)

«شکوه و بزرگی از آن بیمارانی بر تخت‌های اشک است/ و (شکوه و بزرگی از آن) زنان

سخت‌کوش/ و مادران است.»

شاعر در قصیده «إلی أمهات جنود المانیا الیدیمقراطیه» (تقدیم به مادران سربازان دموکراسی آلمان) از جدایی مادران شهید و رزمندگان می‌سراید و انتظار مادران برای بازگشت فرزندان‌شان را به تصویر می‌کشد. بیاتی با بیان بیداری مردان و آمادگی آن‌ها برای مبارزه و جهاد، روحیه امید را در مخاطب تقویت می‌کند که اگرچه عده‌ای از رزمندگان جان خود را در راه رسیدن به آرمان‌های‌شان از دست داده‌اند و مادران داغدار در انتظار بازگشت پیکر آنان‌اند، مردانی بیدار به پاسداری از مرزهای میهن می‌پردازند.

از جمله تکنیک‌های شعری و صنایع بلاغی مورد استفاده در قطعه شعری ذیل، صنعت التفات است؛ به این معنا که «انتقال کلام از صیغه‌ای به صیغه دیگر به ناگهان در خلال کلام رخ

می‌دهد مثلاً انتقال از حاضر به غائب یا بالعکس، یا از گذشته به آینده و بالعکس، «مطلوب، ۱۹۸۳: ج ۱، ۳۰۰» در اینجا نیز شاعر یأس و ناامیدی محض مادر را با کاریست این فن به خوبی آشکار نموده است. مادر در آغاز رو به فرزند خویش کرده و امیدوارانه او را مورد مخاطب (آن تعود) قرار داده است و آرزوی بازگشت فرزند رزمنده‌اش را در سر می‌پروراند، اما پس از حس تنهایی خویش و بی‌فایده بودن تخاطب فرزندی که در دور دست‌ها با مقاومت خویش در حال حفظ میهن است، به صیغه غائب (انتظاره) بازمی‌گردد. نکته دیگر و قابل توجه در شرح این قطعه شعری، گذر جانکاه زمان بر مادر و طولانی شدن فراق از فرزندش است که شاعر عرب به خوبی این امر را با شکوفه دادن گل بابونه کنایه از فرارسیدن فصل بهار و آغاز سال و سپس آمدن زمان یخبندان کنایه از فصل زمستان و پایان سال نشان داده است.

«أَلْفُ حَبِيبِ عَادٍ/ فَانْتَظَرْتُ أَنْ تَعُودَ/ وَ أَلْفُ أَقْحَوَانَةٍ/ تَفَقَّحَتْ/ عَبْرَ اللَّيَالِي السُّودِ/ فَمَا لِقَلْبِي ظِلٌّ فِي أَنْتَظَارِهِ/ وَ ظَلَّتِ الْحُدُودُ/ مُغْلَقَةً، يَحْرُسُهَا الْجُنُودُ/ «يَا وَدِي!»/ وَ هَزَّ تَلْحُجُ الْعَالَمِ الْمَهْودِ/ وَ اسْتَيْقِظَ الرِّجَالُ/ وَ السَّلَاحُ فِي أَيْدِيهِمْ وَرُودٌ/ فَمَا لِقَلْبِي ظِلٌّ فِي أَنْتَظَارِهِ/ وَ ظَلَّتِ الْحُدُودُ/ تَفْصَلُ مَا بَيْنِي وَ بَيْنَ وَدِي/ يَحْرُسُهَا الْجُنُودُ» (البياتي، ۲۰۰۸: ۳۳۴/۱)

«هزار عزیز بازگشت/ پس منتظرم که بازگردی/ و هزار گل بابونه/ باز شد/ در طول شب‌های سیاه/ پس در قلبم سایه‌ای در انتظار او نیست/ مرزها بسته شدند، سربازان از آن پاسداری می‌کنند/ ای پسر/ و برف، گهواره عالم را تکان داد/ و مردان بیدار شدند/ و اسلحه در دستانشان گل‌های سرخ است/ پس در قلبم سایه‌ای در انتظار او نیست/ و مرزها بین من و پسر فاصله انداختند/ سربازان از آن پاسداری می‌کنند.»

۵.۲. شهید و شهادت

«واژه شهادت از ریشه فعلی شهید مشتق شده و در لغت به معنای گواهی دادن، دیدن، نمونه بودن، شاهد بودن، کشته شدن در راه خدا و شهید گردیدن است. عالم شهادت در مقابل عالم غیب آمده است و شهید، یعنی حاضر، شاهد عالم به غیب و حاضر و یکی از اسماء حسنی خدا و سرانجام کشته شدن در راه خدا و دین.» (امیری خراسانی، ۱۳۸۷: ۱۶۸) «یکی از شاخص‌ترین مضامین ادبیات پایداری، شهادت و شهادت‌طلبی است که بخشی از عالی‌ترین مفاهیم ادب پایداری را روحی سرخ و مقدس بخشیده است. شاعران انقلاب به مجاهدان صحنه‌های نبرد که خاصه اولیاءالله محسوب می‌شوند، عشق می‌ورزند؛ چرا که اینان محبان صادق حضرت حق‌اند و جان شیرین خود را در طبق اخلاص نهاده به پیشگاه حق تقدیم می‌کنند.» (کریمی لاریمی، ۱۳۸۷: ۸۷)

هراتی در شعر «ای گل خوشبو» از مجموعه «از آسمان سبز» کاشتن گل سرخ را یادبودی از یک شهید می‌داند، چنان که در شعر مقاومت، گل سرخ نماد و یا استعاره از شهید و شهادت است و هر کجا نامی از یک گل سرخ به میان می‌آید منظور شهیدی است که در راه دفاع از وطن از جان خود گذشته است. او از عظمت مقام و منزلت شهدا سخن می‌راند که حتی در اندیشه و پندار ما نیز نمی‌گنجد:

«ای شهید! ای جاری گلگون! / جایت از پندار ما بیرون / هر گل سرخی که می‌کاریم / زیر

لب نام تو را داریم.» (هراتی، ۱۳۸۸: ۱۲۲-۱۲۳)

هراتی هم چنین در شعر «تا صدای شکوفه» از دفتر شعری «دری به خانه خورشید» با شهیدان سخن می‌گوید و به توصیف واژه «شهید» می‌پردازد. او وجود شهید را همچون آفتابی درخشان می‌داند که خالصانه و عاشقانه به سوی خداوند شتافته است. در این سروده پرسش شاعر از شهیدان با رویکرد متفاوتی همراه است؛ شاعر می‌داند که جایگاه و شأن شهیدان راه مقاومت در نگاه مردم بسیار رفیع بوده و در نزد خداوند نیز آنها متنعم هستند اما با این حال به منظور جلب توجه و درگیر نمودن ذهن مخاطب این مسأله را با استفهام مطرح می‌کند:

«ای شهیدان! کجاست منزلتان؟/ چیست جز آفتاب در دلتان؟/ روی در آب چشمه می‌شوید/ از خدا عاشقانه می‌گویید/ آفتابید در هزاره عشق/ دلتان گرم از شراره عشق/ عطرتان بوی خواب را برده است/ آبروی سراب را برده است.» (هراتی، ۱۳۶۷: ۹۱)

شاعر در شعر «سبکبارتر از ابر» به جا ماندن از قافله شهیدان اشاره می‌کند، شهیدانی که بدون ترس و هراس از مرگ به دل حادثه رفتند و حسرت روزی را می‌خورد که از کاروان شهیدان جا مانده است. همچنین در این شعر هراتی به شعر معروف دیگر «کجائید ای شهیدان خدایی» اشاره می‌کند:

«بی مرگ سواران شب حادثه‌هایید/ خورشید نگاهید و در آفاق رهایید/ مرداب کجا فرصت پیدا شدنش هست/ آن‌گاه که چون موج در این بحر برآید/ شب تا برسد یاد شما می‌رسد از راه/ در یاد شما مییم که آینه مایید/ آن روز نبودیم که این قافله می‌رفت/ با ما که نبودیم بگویید کجایید/ ماندیم و نراندم و نشستیم و شکستیم/ رفتید و شنیدیم شهیدان خدا/ (همان: ۷۸)

عبدالوهاب البیاتی در شعر «لن یموت الشهداء» (شهیدان هرگز نمی‌میرند) به جاودانگی شهیدان اشاره می‌کند؛ آنان با وجود این که جسمشان در خاک است، ولی روح بلند و آثار عظمت نبردشان جاودانه و ماندگار است. وی با دو تشبیه بلیغ ذیل دو هدف اصلی را دنبال می‌کند؛ هدف از تشبیه نخست شهیدان به گل، تبیین لطافت و زیبایی‌های وجودی آنها است و مراد از تشبیه دوم به ساحل و دریا، بیان جاودانگی نام و یاد آنان و سیال بودن حضور آنها در میهن است. در پایان نیز با نگاهی رئال به ادبیات، شعر و ادب را مرتبط با جریان مقاومت و پایداری معرفی می‌کند:

«لن یموت الشهداء/ فهم البذر و الزهره فی أرض الفداء/ و هم الساحل و البحر و شعر الشعراء» (البیاتی، ۱۹۷۲: ۲/ ۳۰۴)

«شهیدان هرگز نمی‌میرند/ در خاک فدا، آنان دانه و گل‌اند/ ساحل و دریا و شعر

شعرا/ (غریفی، ۱۳۵۷: ۸۶)

شاعر در شعر «نَمَّت اللَّعْبَةُ» (بازی تمام شد) آینده زیبایی بسان رنگین‌کمان برای میهنش ترسیم می‌کند که در آن سرزمین، پرچم شهدا را برافراشته می‌سازد. او از جوانه‌زدن در میان یخ‌های ظلم و استبداد سخن می‌گوید و با انتخاب واژگانی همچون «انتفاضة العبيد» و «قصة الرُّعود» استقامت و مبارزه را به تصویر می‌کشد. شاعر تشییع بیکر پاک شهیدان را فریاد بلند آزادگانی می‌داند که در مقابل ظلم و ستم ایستادگی می‌کنند:

«أُمْدُ قَوْسِ قَزَحِ لَوْطَنِي الْبَعِيدِ / أَرْفَعُ رَايَةَ الشَّهِيدِ / أَنَا لِإِنْسَانِ بِلَادِي أَمَلٌ جَدِيدٌ / أَوْرَقُ فِي الْجَلِيدِ / فُبَعْتِي الشَّمْسُ وَ تَاجِي التَّلْجُ وَ الْحَدِيدُ / كُنْتُ بِإِسْمِ الشُّهَدَاءِ أَحْرَفَ النَّشِيدِ / قَصَائِدِي: بِسَاطَةَ الْعُصْفُورِ وَ انْتِفاضة العبيد / وَ قصة الرُّعود / وَ حَسْرَةَ الرَّبِيعِ فِي جَنَائِزِ الْوُرُودِ / وَ صَرَفَةَ الْإِنْسَانِ فِي دَوَامَةِ الْوُجُودِ» (البیاتی، ۲۰۰۸: ۱ / ۴۶۲-۴۶۳)

«رنگین‌کمان را برای سرزمین دورم می‌گسترانم / پرچم شهید را بالا می‌برم / من، برای انسان سرزمینم آرزویی جدید است / در یخ جوانه زد / کلاه خورشید و تاجم برف و آهن است / با نام شهدا حروف سروده‌ام را نوشتم / قصیده‌هایم: سادگی گنجشک و خیزش بردگان / و غرّش رعدها / و حسرت بهار در تابوت‌های گل‌های سرخ / و فریاد انسان در پایداری وجود است»
او در شعر «إلى شهيدٍ آخر» (تقدیم به شهیدی دیگر) آینده روشن سرزمینش را که با آرامش و استقلال همراه خواهد بود مدیون خون شهدا می‌داند. بیاتی در قطعه شعری زیر آرمان شهر^۱ یا همان مدینه فاضله‌ای را ترسیم می‌کند که زیر بنای آن خون شهدا است. بستاننا استعاره از وطن است، وطنی که در ظاهر در برابر استبدادهای داخلی و ظلم‌های خارجی شکست خورده (الوطن المقهور) اما با این وجود شاعر معتقد است در روزی بارانی که باران خود نماد نوید و بشارت است، باید میهن را دوباره از نو ساخت:

«غداً إذا غرَّدَ في بُستاننا عصفورٌ / وَ فَنَحَتَ زَبَقَةَ أَجْفَانِهَا لِلنُّورِ / وَ سَأَلَتْ الْعَطُورُ / عَلَى قُبُورِ شُهَدَاءِ الْوَطَنِ الْمَقْهُورِ / سَنَلْتَقِي عَلَى تَخُومِ الْعَالَمِ الْمَسْحُورِ / سَنُعَبِّرُ الْجَسُورَ / مَعاً نُغْنِي / وَ إِلَى بِلَادِنَا نَطِيرُ / فِي فَجْرِ يَوْمِ أَزْرَقِ مَطِيرِ» (البیاتی، ۲۰۰۸: ۲ / ۱۲۱)

^۱Utopia.

«فردا اگر در باغ ما گنجشکی نغمه‌سرایي کند/ و گل سوسن پلک‌هایش را به روی نور بگشاید/ و عطرها جاری شوند/ بر قبرهای شهدای سرزمین شکست‌خورده/ در مرزهای جهان سحرشده دیدار می‌کنیم/ و به زودی از پل‌ها عبور می‌کنیم/ با هم آواز می‌خوانیم/ و به سوی سرزمین‌مان پرواز می‌کنیم/ در صبح روز آبی و بارانی»

۶.۲. کاربست مضامین عاشورایی

مفهوم عاشورا و قیام ابا عبدالله الحسین (ع) در مقابل ظلم و استکبار چنان عظیم و جهانی است که هر کس در هر گوشه‌ای از جهان هنگامی که سخن از قیام حق علیه باطل و مظلوم علیه ظالم مطرح باشد عظمت عاشورا را به یاد خواهد آورد. درسروده‌های شاعران مقاومت نیز استفاده از مضامین عاشورایی و واژگانی که نمادی از عظمت و واقعه عاشورا باشد به طور کامل به چشم می‌خورد. این بهره‌گیری از واقعه کربلا یکی از الگوهای ادب مقاومت به حساب می‌آید. با شروع انقلاب اسلامی، کربلا بارزترین اسوه و الگوی مبارزه شد. «عاشورا فرهنگ‌نامه عرفان و ایمان و شهادت، آشناترین و باشکوه‌ترین حماسه تاریخ اسلام است. تمامی شاعران که در مدح و ثنای سیدالشهدا سروده‌هایی دارند به این نکته اذعان دارند که عاشورا منشأ ادب پایداری بوده و انقلاب اسلامی ایران نیز متأثر از حماسه عاشورا شد و پایداری ملت ایران برگرفته از پایداری نهضت عاشوراست.» (کریمی لاریمی، ۱۳۸۷: ۵۴) «آنچه بیش از هر چیز، شاعران و نویسندگان را تحت تأثیر قرار داده همین بُعد پایداری کربلاست. شاید پیوند این بُعد با عاطفه-اصلی‌ترین محور شعر و سروده- انگیزه پرداختن به این جنبه کربلاست.»

(سنگری، ۱۳۸۰: ۳۳/۲)

سلمان هراتی در شعر «آنان هفتاد و دو تن بودند» از مجموعه «از آسمان سبز» به واقعه کربلا اشاره می‌کند و با انتقاد از کوفیان پیمان‌شکن تصویری از حادثه کربلا را یادآور می‌شود. دراینجا واژه «آفتاب» استعاره از یاران باوفای ابا عبدالله الحسین (ع) است. شاعر پس از استفاده از واج‌آرایی حرف «ش» در واژگانی همچون انتشار، روشن‌ان، مشرق و عشق، سعی در تقریب ذهنی هرچه بیشتر مخاطب به عاشورا را داشته است که خود مشتمل بر حرف «ش» است.

سلمان گزاره مهم ادب‌پایداری یعنی ایستادگی و مقاومت ملت را نیز از واقعه عاشورا دریافت می‌کند (در گذرگاه حادثه ایستادند) و فداشدن (پیش‌هجوم آنان/ سینه‌دریدند) برای آرمان را امری ضروری از جانب مردمان فرض می‌کند:

«هفتاد و دو آفتاب/ به ادامه انتشار کهکشان/ از روشنان مشرق عشق/ برآمدند/ در گذرگاه حادثه ایستادند/ پیراهن خستگی را/ با بلند نیزه دریدند/ پیش‌هجوم آنان/ سینه‌دریدند/ هفتاد و دو آفتاب از ایمان/ که قوام زمین/ در قیامتشان نشسته بود.» (هراتی، ۱۳۸۸: ۱۹-۲۰)

این شاعر معاصر ادب فارسی در همین سروده علاوه بر ایدئولوژی و اندیشه از بُعد عاطفی کربلا نیز سخن می‌گوید و مظلومیت یاران امام (ع) را که تشنه لب در بیابان گرم و سوزان کربلا سر از بدنشان جدا کردند در سروده‌اش جای می‌دهد. اقیانوس، جنگل، زمین این‌ها همگی نشانی دیگر از استفاده فراوان عناصر طبیعت در شعر هراتی است که سبب این امر نیز القای مفهوم پایداری به مخاطب است:

«کدام صمیمیت/ به انتشار مظلومیت شمایان دست زد/ آه ای بزرگواران، یاران/ عطش ناپیدای شما را/ هزار اقیانوس به تمنا نشسته است/ مثل جنگل خدا/ وقتی شما را سر بریدند/ زمین عطشناک پایین/ زیر معنویت خونتان روید/ و افق به مرتبه ظهور آمد/ اسب سحر شیپه‌ای کشید/ هفتاد و دو آفتاب/ از جنگل نیزه برآمد.» (همان: ۲۰-۲۱)

عبد الوهاب البیاتی در بسیاری از قصایدش بدون روایت مستقیم از امام حسین (ع) از نام آن حضرت به عنوان اسطوره مقاومت، شهادت‌طلبی و قبله‌ستمگران یاد کرده است. او در انجمن ادبی که به مناسبت ورود او به ایران در شهر قم برگزار شده بود گفت:

«من زمانی که نام حسین (ع) ذکر شود از ایشان به صورت مستقیم چیزی نمی‌نویسم به ایشان مانند رمزی عظیم از رموز شهادت‌طلبی و اندیشه اشاره می‌کنم؛ یعنی ایشان را همانند رمز و علامتی از علامت‌های تکامل انسانی توصیف می‌کنم و اشاره به ایشان فقط اشاره به

شخص امام حسین (ع) نیست، بلکه عالم بزرگی را دربردارد. من مراقبم که به ایشان مستقیم نپردازم، بلکه مانند اثری هنری در قصیده‌هایم یاد کنم.» (فوزی، ۱۳۸۳: ۱۹۸)

در قصیده «صورة تقریبیة لبورجوازی صغیر یقرض الشعر» (تصویری تقریبی برای بورژوازی کوچک که شعر می‌سراید) از دیوان «یومیات سیاسی محترف» (حوادث سیاسی حرفه‌ای) شاعر دشمنان آزادی و انقلاب و زندگی را نکوهش می‌کند و امام حسین (ع) را رمزی از انقلابی شهید زنده به شمار می‌آورد و از جنایت دشمنان مزدور و منافق پرده برمی‌دارد. کسانی که پس از به شهادت رساندن آن حضرت بر او گریه می‌کنند. در اینجا واژه طعنه مفعول مطلق نوعی است که نشان دهنده چگونگی وقوع فعل یطعن (نیزه می‌زند) است؛ کسی که اهل خیانت است ترسو بودن از جمله ویژگی‌هایش بوده و چنین فردی هرگز یارای همراهی ملت خویش در راه پایداری را ندارد:

«رَأَيْتُهُ يَبْكِي عَلَى الْحُسَيْنِ / وَ يُطْعِنُ الْحُسَيْنِ / فِي كَرْبَلَاءِ طَعْنَةَ الْجَبَانِ فِي الْعَيْنَيْنِ» (البیاتی، ۲۰۰۸: ۱ / ۲۹۵)

«او را دیدم که برای حسین (ع) گریه می‌کرد/ و (هم‌زمان) حسین (ع) را نیزه می‌زد/ در کربلا (همانند) نیزه‌زدن فردی ترسو در دو چشم»

بیاتی در قصیده «الموت فی غرناطه» (مرگ در غرناطه) از مجموعه «الموت فی الحیاة» (مرگ در زندگی) با ذکر مصیبت امام حسین (ع) و سوگواری پیشینیان برای ایشان (ع) از تداوم راه امام حسین (ع) سخن می‌گوید که مصیبت و سوگواری بر آن حضرت پایانی ندارد و داغ ایشان و خون ریخته شده شهدای کربلا تا ابدیت جاری و ساری است. در اینجا رنگ سروده و در واقع رنگ تم، رنگی محزون از جمله رنگ‌های عاطفی است. «بکاء، حزن، آه» همگی گزینش صحیح شاعر در تصویرسازی این فضای عاطفی غم‌بار را نشان می‌دهد. سیراب شدن فرات و عناصر آن از خون امام (ع) و یارانش نمادی از جاودانگی شهید راه پایداری و حضور همیشگی‌اش در تمامی ارکان و عناصر میهنش است:

«مِن قَبْلِ أَلْفِ سَنَةٍ يَرْتَفِعُ الْبُكَاءُ/ حُزْناً عَلَى شَهِيدِ كَرْبِلاءِ/ وَ لَمْ يَزَلْ عَلَى الْفِرَاتِ دَمَهُ
الْمُرَاقِ/ يُصْبِغُ وَجْهَ الْمَاءِ وَ النَّخِيلَ فِي الْمَساءِ/ آه جَنَاحِي كَسَّرَتْهُ الرِّيحُ» (همان: ۲ / ۱۳۵)

«از هزار سال پیش صدای گریه بالا می‌رود/ به خاطر غم و اندوه بر شهید کربلا/ و همچنان خون ریخته شده او در فرات / صورت آب و نخل‌ها در غروب را رنگ می‌کند/ آه باد، بالم را شکست.»

۳. نتیجه

۱،۳. ستایش وطن و ترسیم حس میهن پرستی و مقاومت نسل‌های مختلف با کارکرد آرایه‌های ادبی همچون پارادوکس و تشبیه‌های بلیغ در سروده‌های هراتی و بیاتی به اشتراک مضمون رسیده‌اند.

۲،۳. هردو شاعر مورد پژوهش مقاومت و حفظ و حراست از میهن را با تفکر و ایدئولوژی همراه ساخته‌اند. سلمان هراتی در سروده‌هایش الگوی ایرانی اسلامی را در این مجال معرفی می‌کند و بیاتی نیز علاوه بر تأکید بر مقاومت اندیشه‌محور، عشق به میهن را نیز عنصری اساسی در راه مبارزه و دفاع از آن می‌پندارد.

۳،۳. مدح رزمندگان جبهه‌های مقاومت از دیگر اشتراک‌های شعری هراتی و بیاتی است؛ نخستین شاعر از سویی، رسایی معنا را در کالبد واژگانی کوتاه و اندک و نیز از سویی دیگر به کارگیری تصاویر استعاری و کنایی را در این راستا به عنوان ابزاری برای بیان انس و الفت رزمندگان با مردم کشور خود استفاده کرده است، و دیگری علاوه بر کاربست استعاری، رزمندگان را به عنوان سازندگان میهن به تصویر می‌کشد.

۴،۳. تبیین جایگاه والای مادران و همسران شهیدان راه مقاومت از جمله گزاره‌های شعری مشترک هراتی و بیاتی است؛ شاعر ایرانی سعی کرده است این مهم را با یکسان‌سازی تم سروده‌هایش در این موضوع با روساخت شعری و زبان مادری ساده بی‌آلایش نشان دهد و نیز با به کارگیری ابزار عقیده و تفکر دینی دردهای جانکاه مادران شهداء را التیام بخشد. بیاتی از تکنیک‌های ادبی - بلاغی همچون التفات سودجسته است تا تصاویر دیداری فراق و جدایی

میان مادر و فرزند رزمنده یا شهید را به مخاطب شعری‌اش به منحصه ظهور بکشاند. این شاعر عرب از طبیعت نیز در بیان به درازا کشیدن این فراق بهره برده است.

۵,۳. دیگر وجه اشتراک دو شاعر یادشده در قالب ادب پایداری، کاربست عناصر طبیعت در تکریم مقام شهید و شهادت بوده که حاکی از نگاه رئال این دو شاعر معاصر به جریان ادبیات در زندگی انسان است. دیگر آنکه در میان سروده‌هایشان، جلوه دادن مبارز و پایدار بودن شهیدان از موقعیتی ویژه برخوردار است.

۶,۳. ترسیم فضای حادثه کربلا و عبرت گرفتن از پایداری امام حسین(ع) و یارانش و سپس انتقال آن به مخاطب برای حفظ میهن، از جمله شاخص‌های ادبیات پایداری است که در شعر دو شاعر مورد بررسی یافت می‌شود. اشتراک شعری هراتی و بیاتی در این بخش، نخست استفاده از تفکر و اندیشه پایداری عاشوراییان و سپس کاربرد عاطفی از این واقعه مهم و سرنوشت ساز تاریخی است. تفاوت عمده آنها در این مجال، بیان مستقیم و بدون نماد هراتی و عکس آن نگاه اسطوره مآبانه و همراه با نماد بیاتی به امام حسین(ع) و یاران باوفایش است.

کتابنامه

- ۱- امیری خراسانی، احمد. (۱۳۸۷). *نامه‌پایداری (مجموعه مقالات)* تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- ۲- البیاتی، عبدالوهاب. (۲۰۰۸). *الاعمال الشعریه. المؤسسة العربیة للدراسات و النشر. بیروت: دار العوده.*
- ۳- _____ . (۱۳۵۴). *آوازه‌های سندباد. ترجمه شفیع کدکنی (م. سرشک). چاپ دوم. تهران: بی جا.*
- ۴- _____ . (۱۳۵۷). *شعرهای تبعید و چشمان سگ مرده. ترجمه عدنان غریفی. چاپ اول. تهران: انتشارات رواق.*
- ۵- _____ . (۱۹۷۲). *دیوان الاشعار. بیروت: دار العوده.*
- ۶- ترابی، ضیاءالدین. (۱۳۸۴). *شکوه شقایق (نقد و بررسی شعرهای دفاع مقدس). چاپ اول. تهران: سما قلم.*
- ۷- سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۰). *نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس (دوره سه جلدی) تهران: پالیزبان.*
- ۸- رجبی، فرهاد. (۱۳۹۰). «دغدغه‌های اجتماعی شعر عبدالوهاب البیاتی و مهدی اخوان ثالث». *مجله زبان و ادبیات عربی. دانشگاه فردوسی مشهد. سال سوم. شماره ۴. صص ۴۷-۷۵.*
- ۹- رحمان دوست، مجتبی. (۱۳۷۹). «رمان مقاومت: منابع، مضامین و بایدها». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. شماره ۱۵۶. صص ۴۶۵-۴۸۶.*
- ۱۰- شفیع کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۰). *شعر معاصر عرب. تهران: سخن.*
- ۱۱- فاخوری، حنا. (۱۴۲۷هجری). *الجامع فی تاریخ الأدب العربی. قم: انتشارات ذوی القربی.*
- ۱۲- فوزی، ناهده. (۱۳۸۳). *عبدالوهاب البیاتی حیاة و شعره. چاپ اول. تهران: انتشارات ثارالله.*
- ۱۳- کاکایی، عبدالجبار. (۱۳۸۰). *بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان. چاپ اول. تهران: پالیزبان.*
- ۱۴- کریمی لاریمی، رضا، (۱۳۸۷). *جلوه‌های ادبیات پایداری در سروده‌های شاعران مازندرانی. ساری: مرکز انتشارات توسعه علوم.*
- ۱۵- مطلوب، احمد (۱۹۸۳). *معجم المصطلحات البلاغیة و تطورها. چاپ اول. بغداد: المجمع العلمی البغدادی.*
- ۱۶- مکارمی‌نیا، علی. (۱۳۸۳). *بررسی شعر دفاع مقدس. تهران: ترفند.*
- ۱۷- نوروزی، محمد تقی (۱۳۸۵). *فرهنگ دفاعی - امنیتی. چاپ اول. تهران: انتشارات سنا.*
- ۱۸- هراتی، سلمان. (۱۳۸۸). *از آسمان سبز. چاپ دوم. تهران: حوزه هنری سوره مهر.*
- ۱۹- _____ . (۱۳۶۷). *دری به خانه خورشید. چاپ اول. تهران: سروش.*
- ۲۰- _____ . (۱۳۸۰). *مجموعه کامل شعرهای سلمان هراتی. با مقدمه قیصر امین‌پور، تهران: دفتر شعر جوان.*